

خط زرد

### هشدار های پلیس برای پیشگیری از سرقت مغازه

۱- به وسیله جوش دادن میله های محکم فلزی راه نفوذ سارقان را از طریق کانال کولر، هواکش و تابلوهای تبلیغاتی مسدود کنید.

۲- برای پیشگیری از سرقت به روش تویی زنی، قفل مغازه خود را به گونه ای نصب کنید که تویی آن همسطح با بدنه در باشد یا این که لوله فلزی به دور آن جوش دهید.

۳- در صورت لزوم محل کسب خود را به سیستم هشدار دهنده مجهز و آن را به گونه ای نصب کنید که تشخیص آن برای دیرگران به سهولت ممکن نباشد.

۴- شب های یک لامپ را روشن بگذارید تا داخل مغازه از بیرون کاملاً نمایان باشد.

۵- چنان چه به هر دلیل کار گر یا شاگردتان به کار خود پایان داده، یا خودتان به اخراج او اقدام کردید، حتماً تمامی قفل ها را تعویض کنید.

۶- قبل از استخدام کار گر، کار مند و منشی، پیشینه کاری و سوابق اخلاقی و خانوادگی وی را مورد بررسی دقیق قرار دهید.

**سرهنگ بوستانی**

**رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

ازمیان خبرها

### کشف محموله يك تن پسته سرقتی در مخفیگاه سارق

**توکل**ی- سارق يك تن پسته در سیرجان دستگیر شد. فرمانده انتظامی شهرستان سیرجان در این باره گفت: به دنبال وقوع یک فقره سرقت پسته از باغ های روستای «جعفر آباد» این شهرستان ، موضوع کشف این سرقت در دستور کار قرار گرفت. سرهنگ ایران نژاد بیان کرد: داموران کلانتری ۱۵ منطقه زیدآباد در حومه سیرجان با تلاش و پیگیری های شبانه روزی این سارق پسته را شناسایی کردند و متهم را در مخفیگاهش به دام انداختند. این مقام انتظامی خاطر نشان کرد: در این عملیات یک نفر مالخ نیز دستگیر شد و محموله یک تنی پسته به سرقت رفته، از مخفیگاه سارق کشف و تحویل مال باخته شد.

**سجاد پور** - جوان ۲۷ ساله ای که شش

سال قبل یکی از بستگان پدرش را در منزل مجردی به قتل رسانده و جسد او را درون کمد دیواری پنهان کرده بود، سپیده دم نوزدهم مرداد جاری به چوبه دار سپرده شد. به گزارش اختصاصی خراسان، ماجرای این جنایت هولناک دهم اسفند سال ۱۳۹۲ زمانی لو رفت که بستگان جوان ۳۲ ساله ای که مجردی در یک واحد آپارتمانی در منطقه حافظیه مشهد زندگی می کرد، هر چه با تلفن اوتماس گرفتند پاسخی نشنیدند. آنان که به شدت نگران شده بودند ساعتی بعد برای اطلاع از وضعیت این جوان به منزل او مراجعه کردند ولی در آپارتمان قفل بود. در این حال آنان به دنبال قفل ساز رفتند و دقایقی بعد در آپارتمان گشوده شد، بوی تعفن در واحد آپارتمانی پیچیده و رختخواب های داخل کمد دیواری به هم ریخته بود.

در یک لحظه وقتی در کمد دیواری باز شد ناگهان جسد جوان ۳۲ ساله پیدا شد که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود. این گزارش حاکی است: لحظاتی بعد تلفن ۱۱۰ به صدا درآمد و ماموران انتظامی به دستور سرهنگ عبدالمی (رئیس وقت کلانتری شهر ک ناجا) عازم محل وقوع جنایت شدند. نیروهای انتظامی پس از انجام تحقیقات مقدماتی از مردی که جسد را پیدا کرده بود، به حفظ صحنه حادثه پرداختند و مراتب را به قاضی موحدی راد (قاضی ویژه قتل عمد در زمان وقوع حادثه که هم اکنون دادستان مرکز سیستان و بلوچستان است) اطلاع دادند. با توجه به اهمیت ماجرا، دقایقی بعد مقام قضایی به همراه کارآگاهان پلیس جنایی آگاهی و تشخیص هویت به محل کشف جسد رفتند و بدین ترتیب بررسی های قضایی در باره این جنایت هولناک ادامه یافت. تحقیقات نشان می داد عامل یا عاملان جنایت، در اتاق پذیرایی با مقتول درگیر شده اند و پس از آن که دهان وی را با

پارچه ای محکم بسته اند با ضربات متعدد چاقو او را به قتل رسانده اند.

این در حالی بود که آثار خون روی میل ها، تلویزیون و دیگر نقاط پذیرایی دیده می شد اما قاتل یا قاتلان در فرصت مناسب سعی کرده بودند همه آثار و لکه های خون را از بین ببرند. همچنین در ادامه تحقیقات مشخص شد که مقتول به خاطر اختلاف خانوادگی مجردی زندگی می کرد و خودروی ۲۰۶ او نیز سرقت شده است. بنابراین گزارش، پزشک قانونی به دلیل فساد نعشی جسد احتمال داد که جوان ۳۲ ساله حدود یک هفته تا ۱۰ روز قبل به قتل رسیده است و سپس عامل یا عاملان جنایت، با بیرون آوردن رختخواب ها، جسد را داخل کمد دیواری پنهان کرده اند. با توجه به سرخ های موجود، تحقیقات قضایی به همراه کارآگاهان پلیس جنایی آگاهی و تشخیص هویت به محل کشف جسد رفتند و بدین ترتیب بررسی های قضایی در باره این جنایت هولناک ادامه یافت. تحقیقات نشان می داد عامل یا عاملان جنایت، در اتاق پذیرایی با مقتول درگیر شده اند و پس از آن که دهان وی را با

## گریز نجفی از اعدام به زندان

### نجفی با وجود گذشت خانواده میترا استاد چند سال باید در زندان بماند؟

نجات باید در محکمه عدالت خداوند، خود و موکل باید پاسخ دهید و این چندروز باقی مانده عمرتان در قبال حیات همیشگی، خسران ابدی برایتان دارد.

■ **آقای نجفی! پرستوی شما کلاغ بود**

وی در بخش دیگری نوشت: و، اما جناب نجفی، به خبرسازان همنحلی خود گفتی که صداهایت را نهاد امنیتی به همسرت می داد و ظن پرستو بازی را با کمک خبرنگارسان هایت چرخاندی. بدان و آگاه باش پرستوی شما کلاهی بودو در قامت شخص مورد اطمینانت که دست بر قضا در دادگاه هم حضور داشت این مهم را انجام می دادودر تماس های شما، فایل های خاله زانانه

■ **وکیل نجفی: تلاش می کنیم تا نجفی به زندان هم نرود**

در همین حال حمید گودرزی، وکیل مدافع نجفی به فارس گفت: «با وجود این که خانواده استاد اعلام بخشش کرده اند و ما رضایت نامه و اعلام گذشت شان را به دادگاه کیفری تهران داده ایم اما همچنان به رای بدوی دادگاه کیفری اعتراض می کنیم. به گزارش فارس وی افزود: ما که قتل را شبه عمد می دانیم، به همین دلیل اعتراض کرده ایم تا پرونده به دیوان عالی برود و فرجام خواهی کنیم.

■ **آیا قاتل با گذشت شاکی آزاد می شود؟**

باید دانست که بر اساس قانون اگر فردی یک نفر را به قتل برساند حتی اگر شاکی یا شکات هم رضایت دهند به مجازات حبس محکوم خواهد شد. در قانون مجازات اسلامی و در فصل هفدهم با عنوان جرایم علیه اشخاص و اطفال آمده است: هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلاخ در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم جری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تاده سال محکوم می کند. تبصره: در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود.

■ **سردار سپاه نیستم**

و، اما درباره خودم که روزی سردار گمنام و

فروش انواع کت وشلوار قستونی ایرانی

فقط ۱۲۹ هزار تومان

شلوار کتان ۴۹ تومان، تیشرت ۲۹ تومان، مانتو ۶۹ تومان

بلوار پیروزی، بلوار رضوی، بین رضوی ۸ و ۱۰ فروشگاه تولیدی بزرگ مهر ۳۸۲۷۳۸۲۴۷۷۹۱۵

## حوادث

اختصاصی خراسان

# «طناب دار» حساب دزد کارت بانکی را بست

لحظه او را از پشت با کار دزد و پس از آن نیز ضربات دیگری به بدنش وارد کرد. سپس جسد را به داخل حمام کشاندم و آثار خون هارا شستم.

پس از آن هم جسد را داخل کمد دیواری پنهان کردم و با برداشتن کارت های عابر بانک، ساعت، کفش، ادکلن، سشوار و کیف حاوی ۶۵ هزار تومان پول، سوار خودروی ۲۰۶ مقتول شدم و فرار کردم. پس از چند روز از ترس دستگیری خودرو را در منطقه مجیدیه قاسم آباد رها کردم و مبلغ یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان پول را که در حساب بانکی او بود از طریق کارت عابر بانک و با همدستی یکی از دوستانم برداشت کردم. دوست منتم نیز که با دستور قاضی موحدی

را دستگیر شده بود، بیان کرد: حدود ۱۰ روز قبل از وقوع قتل دوستم (متهم) به من گفت: یک خودروی ۲۰۶ مدل ۹۰ سفید رنگ می توانی برایم پیدا کنی که من آن را بخرم! به همین دلیل هم وقتی او را با خودروی با این مشخصات دیدم مشکوک نشدم و فکر کردم او خودرو را خریده است. پول ها را هم بنا به درخواست دوستم از عابر بانک برداشت کردم و فکر نمی کردم که دزدی باشد.

در پی اعترافات صریح متهم، و بازسازی صحنه قتل در حضور قاضی موحدی راد، این پرونده جنایی در شعبه دوم کیفری یک خراسان رضوی مورد رسیدگی قرار گرفت و پس از تأیید رای قضاص نفس توسط قضات شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور به اجرای احکام مشهد ار سال شد.

این گزارش حاکی است: متهم ۲۷ ساله این پرونده جنایی نیز سپیده دم روز دهم مرداد با حضور قاضی زر گر (قاضی اجرای احکام دادرسی عمومی انقلاب) در زندان مرکزی مشهد به دو مجازات آویخته شد و بدین ترتیب پرونده این جنایت هولناک با اجرای احکام قصاص نفس مختومه شد.

## مرگ دلخراش کودک زیر خاک های کامیون



**سجاد پور** - کودک هفت ساله ای هنگام بازی با دوستانش زیر بار خاک های کامیون در حال واژگونی قرار گرفت و به طرز دلخراشی جان سپرد. به گزارش خراسان، این حادثه تلخ ظهر روز گذشته

در پی وقوع این حادثه تاسف بار بلافاصله کارگران بیل به دست با فریادهای کودک را دیدگر، به پرآکندن خاک ها مشغول شدند اما وقتی به پیکر کودک رسیدند که او دیگر دار فانی را وداع گفته بودو جان در بدن نداشت. باحضور ماموران کلانتری هفت تیر در محل حادثه، تحقیقات در باره این ماجرای تلخ همین حال دو کودک با دیدن این صحنه در یک لحظه از محل گریختند اما کودک کی حدود هفت ساله غافلگیر شد و زیر آوار خاک های کامیون ماند! گزارش خراسان حاکی است،

ردیف	نام کالا	مقدار تقریبی
۱	اکسیدکن	۳۰۰/۰۰۰ کیلوگرم
۲	ضایعات پوسته اکسید کف کوره	۱۰۰/۰۰۰ کیلوگرم
۳	براده تراشکاری (پلیسه)	۲۰۰/۰۰۰ کیلوگرم
۴	براده تراشکاری مخلوط با خاک	۳۰۰/۰۰۰ کیلوگرم
۵	ضایعات سرلوله های تولید	۳۰۰/۰۰۰ کیلوگرم
۶	آهن آلات قراضه	۳۰۰/۰۰۰ کیلوگرم
۷	سیم مسی الکتروموتور	۱/۰۰۰ کیلوگرم
۸	ضایعات آجرسوز	۳۰۰/۰۰۰ کیلوگرم
۹	بشکه فلزی ۲۲۰ لیتری	۴۵۰ عدد
۱۰	بشکه فلزی دریاژ گریس	۶۰ عدد
۱۱	بشکه پلاستیکی ۲۲۰ لیتری	۵۰ عدد

**کمیسیون معاملات شرکت لوله گستر اسفراین**

۹۸۰۰۶۶۳۵۰

## ۱۳

در امتداد تاریکی

## گره کور سر نوشت!

روزی که سنگینی نگاه فروشنده تلفن همراه را حس کردم هر گز تصور نمی کردم که این نگاه عاشقانه روزی زندگی ام را به نابودی خواهد کشید و گره کوری بر سر نوشتم خواهد ز به طوری که ...

زن ۲۱ ساله در حالی که بیان می کرد همسرش او را در ازدواج فریب داده و هم اکنون نیز با تهمت های ناروا او را تنها گذاشته درباره ماجرای ازدواجش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری شفای مشهد گفت: آخرین فرزند خانواده پنج نفره ای هستم که در یکی از شهرک های حاشیه مشهد زندگی می کردیم اگرچه پدرم از نظر مالی در وضعیت خوبی نبود اما همه تلاشش را به کار می برد تا کمبود زیادی در زندگی نداشته باشیم و به تحصیلات مان ادامه بدهیم.

در این میان هیچ کدام از خواهر و برادرانم نتوانستند وارد دانشگاه شوند و همه اعضای خانواده چشم به من دوخته بودند. پدرم برای آن که مرا تشویق به ادامه تحصیل کند قول داد در صورتی که در آزمون سراسری پذیرفته شوم تلفن همراه هوشمندی را به من هدیه می دهد. وقتی نتایج کنکور اعلام شد با خوشحالی خبر قبولی ام را به پدرم دادم. او هم در حالی که اشک بزان مرا در آغوش کشید همان شب از من خواست به بازار برویم تا به عهدش وفا کند. خلاصه برای خرید گوشی همراه هوشمند وارد یکی از مراکز خرید شدیم.

پسر جوانی با ظاهر آراسته و بیانی شیوا ما را در خرید تلفن همراه راهنمایی کرد. در نهایت با راهنمایی های او یک دستگاه گوشی انتخاب کردم اما در همین حال متوجه آن جوان شدم که به مر عاشقانه ای نگاه می کرد. من هم از خجالت سرم را پایین انداخته بودم تا این که او به بهانه کامل کردن فرم ضمانت نامه گوشی، مشخصات و شماره تلفن مهر امهر را ثبت کرد و ما در فروشگاه بیرون آمدیم. همان شب بود که پیامی از سوی آن پسر جوان در صفحه تلگر امم نقش بست.

او پیام داده بود که عاشق ظاهر زیبا و متانتم شده است و قصد ازدواج با مرا دارد! این گونه بود که تماس تلفنی من و «منصور» آغاز شد و ارتباطمان در شبکه های مجازی ادامه یافت.

مدتی بعد منصور که ۳۴ ساله بود به خواستگاری ام آمد من هم که در این مدت آشنایی، علاقه عجیبی به او پیدا کرده بودم پای سرفه عقد نشستیم و از این انتخاب خیلی راضی بودم چرا که خانواده منصور پولدار بودند و در یکی از مناطق مرفه نشین شهر زندگی می کردند. همواره احساسام این بود که زندگی آرام، مرفه بدون دغدغه ای خواهم داشت. اگر چه در دوران نامزدی اختلاف نظر و مشکلاتی داشتیم اما من به منصور علاقه مند بودم و احساس می کردم این دوست داشتن همه مشکلات را مانندت اسکیوری حل می کند. بالاخره زندگی مشترک ما در حالی آغاز شد که همسر من حتی به خنده های من هم ایراد می گرفت. او بسیار بدبین بود و به من سوءظن داشت. او ادعا می کرد چون یک پیامک به او علاقه مند شدم بنابراین احتمال دارد به پیامک ها و تماس تلفنی دیگران هم پاسخ بدهم! به همین دلیل تهمت های ناروایی به من می زدو با این رفتار زشت آزارم می داد.

من هم در این باره با مادرم به صورت تلفنی درد دل می کردم تا شاید راه چاره ای برای مشکلاتی بیایم که خودم باعث و بانی اصلی آن شده بودم غافل از این که منصور به خاطر آشنایی که به سیستم های تلفن همراه داشت خط تلگر ام مرا هک کرده بودو همه پیام ها و مکالمات تلفنی مرا بررسی می کرد.

او حتی در منزل مادرم دستگاه شنود کار گذاشته بود و همه صحبت های خانواده ام را ضبط می کرد. حالا هم مکالمه ای از صحبت های یک زن و مرد غریبه در تلفن همراهش ذخیره کرده است و ادعا می کند آن زنی که با مرد غریبه سخنان عاشقانه بر زبان می راند من هستم!! و این گونه مرا متهم به خیانت می کند! او با همین ترفند تهمت های زشتی را به من نسبت می دهد و آبرویی نزد دوست و آشنا و در و همسایه برایم باقی نگذاشته است. او با همین تهمت های ناروا مرا مجبور به سقط جنین کرد این در حالی بود که منصور با حيله گری و فریب کاری ماجرای ازدواج قبلی اش را از من و خانواده ام پنهان کرده بود و من نمی دانستم همسر سابق او نیز به دلیل همین سوءظن ها از او جدا شده بود با همه این بدبختی ها و روزگار سیاهم باز هم می خواهم به زندگی مشترک با او ادامه بدهم چرا که علاوه بر علاقه ام به منصور، خانواده ام نیز توان حمایت از مرا ندارند. ولی او مدتی است منزل را ترک کرده و مرا تنها گذاشته است...

شایان ذکر است به دستور سرهنگ ناصر نوروزی (رئیس کلانتری شفا) پس از آن که منصور با ابلاغ قضایی در کلانتری حاضر نشد این پرونده برای سیر مراحل قضایی به دادسرا ارسال شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی